

کودکی استثنایی

چگونه کودکی است؟

احمد امیددوان

توان انجام کار نیابند، لبهایم را به کار خواهم گرفت و تصویرگر تلاش انسان برای غلبه بر ناتوانی و معلولیت خواهم شد.

اگر از گوش محروم شوم چشمم را به مدد می‌خوانم و اگر چشمم را از دست دهم گوش را فرا می‌خوانم.

من کودک استثنایی هستم، می‌توانم با سرانگشتان دستم ببینم و با چشمانم بشنوم و با چرخ ویلچر در میدان‌های مسابقه قهرمان شوم.

من امروز از پا به جای دست و از چشم به جای گوش و از دست به جای چشم استفاده می‌کنم، زیرا من استثنایی و برترم و با فریادی به بلندای کهکشان به همه جهانیان می‌گویم:

معلولیت محرومیت نیست
محرومیت محدودیت نیست
محدودیت ممنوعیت نیست
بلکه خواستن توانستن است
ز کوشش به هر چیز خواهی رسی
به هر چیز که خواهی کماهی رسی

تسجلی این ارزش و این جایگاه چیزی نخواهد بود جز ذکر سبحان الله.

جسارت فلسفه را تاریخ از چون منی همچون «ابوالعالمی» به عاریت گرفته و صحنه ادبیات را «هلن کلرا»، «شوریده» و «رودکی» تزیین کرده و موسیقی، حیات خود را مدیون بتهون، برومند و کسایی است «طه حسین» نشان داد که یک فرد استثنایی می‌تواند قهرمان میدان فرهنگ و سیاست باشد و اعمال متهورانه «خزائلی، کلارک و محبی» مہری ابدی بر توانمندی فرهنگی جامعه استثنایی زد.

سربلندی و عزت من به آن است که جسمم به اراده و مدد خداوندی از ظواهر دنیوی پاک شده و یکسره مہیای تعالی و معنویت گشته است. آری، ابزار مقدماتی گناه و معصیت از من گرفته شده و در عوض و به حکم الهی ضمیری روشن و روحی سرافراز عطا گردیده است.

اگر دستهایم از کار باز بمانند، پاهایم دست بکار خواهند شد و اگر پاهایم نیز

من کودکی هستم همانند کودکان دیگر ولی کمی متفاوت.

من کودکی هستم با صفت استثنایی، که در کفه ترازوی خلقت، سهم من معصومیت است و محرومیت و در کفه ترازوی دیگر: سهم سایرین - به شرط آگاهی - تبه است و بیداری.

صفت من در تکوین الهی نه تنها مایه بالندگی و فخر است، بلکه متضمن فردوس و خلد برین است.

در سیرۀ تاریخ، نقطه اوج افتخار من، صحابی مکرم رسول خدا (ص) عبدالله بن مکتوم است، ابرمردی که مقتدرانه در صف کسانی قرار گرفت که در رکاب زعیم خود، تحولی ابدی را در جهان رقم زدند.

در نظام ارزشها صحبت از منزلت من، صحبت از شأن نزول سوره مبارکه «عبس و تولى» که می‌گوید: چرا عبوس و ترشرو گشت؟ چون آن مرد نابینا به حضورش آمد. تو چه می‌دانی؟ ممکن است او مردی پارسا و پاکیزه صفات باشد در دل هر صاحب دلی